

و حاصل از دند و اظہار عنایت و عطای بی شمار فرمودند بعد بعضی از صاحبان جسارند حیات
 اقدس رسیدند و مقالاتی مفصل در تاریخ امرائند و تعالیم جمال الہی از سان مبارک استماع
 و ثبت نمودند و در بسرا اندرج و نشر کردند بانکہ صبح عزم حرکت فرمودند معذکات
 شرف طالبین و انجذاب مجتہین چنان بود کہ تاظر طول کشید و ہم از در شرفی مفصل
 در خصوص بیت العدل عمومی و محکمہ کبری فرمودند کہ از قبل جمیع پارلمانہا اصلاح مشکلات
 ملل نماید مثل قضیہ بانکان را اصلاح کند و مانند طبیب حاذق امراض مزمنہ امم را شفای
 بخشد پس شرحی در کیفیت تغایب و ایمان قسطنطین و درودش و نقل علم مبین
 حضرت مسیح فرمودند کہ بانکہ صاحب تخت و تاج بود آخسر باین مریم باج و خراج
 داد و امثال ذلک بیانات مبارکہ مفصل بود چون از صحبت بسیار خستہ شدند نظر
 باستدعای بعضی از اجابا قبل از حرکت سوارہ گردشی در صحرا و عبور از رودخانہ ما و خیابانہا
 با صفای انجامودہ و ساعت ۱۲ ظهر بہت و اشنگستن حرکت فرمودند چمن حرکت گاہی
 اجناناظر روی زیبا و متذکر مقام و محل و تھا بودند و خندان گہی متوجہ حرکت موکب اقدس
 و پیران روی تابان بودند و گریان در ہر قلب و فہاد این حزن و سہر و مشہود بود
 و این دو ضد چون نار و نور محسوس و موجود چون از سنناتی حرکت فرمودند پس از چند
 محطہ در ترن دکتوری کہ نزدیک کرسی مبارک نشستہ بود اجازہ شرف خواست و مقصد
 از سفر مبارک را جو یا شد فرمودند بہ مقصود من لفت بین اجزایست و ترک تعصب و ضغینہ
 و بغضا تا ملل و امم عالم با یکدیگر برادر شوند جمیع خیر خواہ جنس بشر گردند نہ بانکہ جنگ و جدال

پروازند و مصیباتی مثل بالکان پیش آید خونباریخته شود خانانها خراب و ویران گردد
 تا این وقوعات عالم انسانی آسایش نیابد غیر صلح عمومی بلند نشود و وحدت عالم
 انسانی حصول نجوید ما همه بنام الهی هستیم و جمیع نوع انسان و بندگان یزدان و خداوند
 بجمع مهربان و فیوضات او نسبت همه یکسان شصت سال پیش حضرت بهادر شاه در ایران
 اساس چنین تعالیسی نهاد ترویج صلح عمومی و وحدت عالم انسانی فرمود پادشاه ایران
 و سلطان ترکی ماراجیس انداختند بیست هزار نفر از کاشته که شاید این امر محو شود و این
 تعالیم حضرت بهادر شاه فراموش گردد ولی با وجود این تعرضات روز بروز امر حضرت
 بهادر شاه بلندتر گشت تا امور منقلب و مشروطه برقرار شد و من آزاد گشتم و از سجن عساکر
 بمالک افریقا و اروپا و امریکا سفر نمودم و نفوس را باین تعالیم مبارک خواندم و هم و اجزا
 را بوحدت اساس ادیان ترک تعصب و جدال و تقالید و اولام دعوت نمودم الی آخر بیانه
 الاصلی چنان شخص مذکور از این بیانات مبارک بوجود و سرور آمد که مانند طپور شکور
 بشکر و نماز بان گشود و اظهار ممنونیت نمود فرمودند من هم از ملاقات شما خیلی مسرورم
 که من شخصی ایرانی باشم شما وجود محترمی غربی در کمال لفت و محبت ملاقات نمودم و این ملاقات
 و لفت مانونه رابطه شرق و غربت و عصر و اشنگلتن بزول قدم مبارک شریف
 شد در محطه از دور چون بجای شتاق قامت رعنا و روی زیبارا دیدند سر از پا
 نشاخته و دیدند تا خانه بی که مخصوص منزل مبارک بگرایه گرفته شده بود اکثر در رکاب
 مبارک بودند همچنین شب جمعی کثیر از جای طلعت پیمان پروانه شمع روی تابان - و بیانات

و نطق مبارک حکایت از سفر کلیفورنیا و شدت نفوذ کلمه الله و انجذاب با جاب جمال ابی
بود روز ۲ ذی قعدة (۷ نوامبر) صبح در مجمع اجناسی در باره انشا را امر الله
در شرق و غرب دنیا و ارتباط و لغت ظل و فرق مختلفه در ظل کلمه علیا از لسان اطهر
صادر و بعد فرمودند "اول صعود مبارک من چنین نوشتیم که سوف تری رایة البشاق
تتحقق علی الافاق و همچنین شرق منورنا غرب منظرنا روح بسطلاب ده نور بافاق بخشش
بعضی از یخبران استهزای نمودند که چگونه شرق و غرب بنور امر الله منور شود و از رانجده
طیبه کلمه الله شام آفاق معطر گردد حال ملاحظه نماید که چگونه این ارتباط عظیم حاصل شده
و قلوب اهل شرق و غرب از این نور مبین روشن گشته شجره مبارک که در کره زمین ریشه
مکمل نموده و آثار عظمتش آفاق را احاطه کرده پس از آن از بدایت ایام ظهور منظر هدیه
شرعی مفصل بیان فرمودند که بظاہر منظر مقدسه الیه در نهایت ذلت و حقارت بودند
و خلق آنها را خرد می کردند ولی در اندک زمانی نفوذ کلمه شان قلوب را احاطه نمود و افتاب
عظمت و جلالشان عالم را روشن کرد" و چون آن ایام تازه اخبار بانگان منتشر شده بود
بند اکثر در محافل و مجالس آیات کتاب مبین را بمعنی می فرمودند از جمله آنروز عصر در مجمع
عمومی منزل امه الله مس پارتنر کتاب مبین در دست مبارک بود و اندازات بعد لغز
و خبر انقلاب مورد تغییر و انتقال آورده را شرح میدادند و آن مواعد الیه را حتمی و وقوع
می فرمودند و همچنین خبر انقلاب مورد نظران و بیجان جمهور و وقوع آنها و تحقق دعوی دلیل
بر احاطه علمیه و نفوذ کلمه مبارک می گفتند و خطابه مبارک که انشب در خصوص غلبه امر الله با وجود

سخن اعداد و سلطنت کلمه الله مع بلا یای لائحه و مصائب عظمی بود که حضرت بهار الله بدو
 تو او مکتبه و ششون ظاهره تاسیس عزت ابدیه و ترویج تعالیم الهیه نمود و مع آنکه قواد
 مادیه و احزاب و ادیان متهاجمه مخالف و مانع او بودند بیست هزار نفر اصحاب و راهبید
 کردند با وجود این بقوه الهیه و سطوت ملکوتیه امرش را غالب و کلمه مبارک که اشش را
 نافذ فرمود تا حال که مذاهب متنوعه از مل و ممالک مختلفه در ظل تعالیم و حکامش لغت
 عیسوی و اشکار حقیقی بستند انهی روز ۲۷ ذی قعدہ (۷ نوبر) هر ساعتی جمعی
 در محفل صل و تقا استفاضه فیوضات باقیمه می نمودند و مسائل و بیانات ششمنی از مصدر
 فضل و عطا صادر نامار را منزل به تائید سس پارسنر میل فرمودند و سر نیز بشکرهایید
 و نصرت ملکوتی بهی ناطق و عبارات مترت آمیز از لسان مبارک جاری و علا و ه
 از شرف نفوس در منزل مبارک دلیت سس پارسنر شب محفل عظیمی در کلیسای اخوت
 مخصوص خطابه مبارکه منعقد و قیام و بیان مبارک بسیار مهین بود اول کشیش آن کلیسا
 در معرفی حضرت عبدالبصا از قبل عموم اظهار شکر و ثنا نمود و نفوس را تشویق و تنبیه
 و بی نهایت تاکید در لزوم طلاع از ادیان و ترک تعصب که سبب توسع دایره فکار است
 نمود و بیان خود را قتی بزرگترین امر بدین کرد که چگونه مور و مصائب و بلا یا بوده و چه نفوس
 مقدسه درین سبیل فدا شده اند و بیان قیام و تعالیم مبارک و تلاوت بعضی از آیات
 اشیا نطق خود را ختم کرد و جمعیت کلیسا چون این مطالب را از کشیش شنیدند مستعد
 استماع خطابه مبارکه گردیدند از نگاه طلعت عهد یزدانی خطابه بی بسیار مهین و مؤثر پس از

از مقدمه فی ادا فرمودند و آن مقدمه این بود که در فی الحقیقه در این سفر نهایت انصاف و محبت را از امانی امریکا دیدم و ملاحظه نمودم که از هر جهت حریت افکار دارند و این سزاوار است ستایش است لهذا از جناب قتیق بسیار خوشنودم و از احساسات محبت پرورانه ایشان شاکر و ممنون رؤسای ادیان باید چنین باشند تا سبب توسیع افکار نفوس گردند بجمع ملل مهربان باشند زیرا خدا بجمع مهربانست و محبت الله نامحدود است پس محبت بندگانش نیز باید غیر محدود و عمومی باشد " بعد شروع بخطابه فی در بیان مراتب اخوت و وحدت نوع انسان و شرح بعضی از احکام و تعلیمات ظهور اعظم فرمودند بنوعی نفوس بوجد و شغف آمده بودند که مجد کشیش مذکور برخاسته از قبل عموم اظهار شکر و تمجید نمود و افتخار از این کرد که این باز دویم شریف فرمائی و خطابه مبارک در این کلیاست و گفت این بیان مبارک سبب سرفرازی و بهترین سعادت عالم انسانی است که فرمودند و ما همه انعام الهی و برادران یکدیگر میباشیم و خدا شبان و حافظ حقیقی " و آخر نظر بر جای کشیش مجلس بناجائی فارسی از قم اظهر ختم گردید و جمعیت کلیسا یک یک از حضور مبارک میگذشتند و دست میدادند و استعدای تائید و برکت می کردند و در و اشنگتن از اینگونه مجامع در کنائس و این نحو نفوذ و تاثیر بیانات مبارک که در بعضی از کشیشهای متعصبی که بساحت اظهر شرف نشده بودند یک نحو خود حسدی احداث نمود که بعضی اوراق اعتراض دندست در هنگام بیرون آمدن از کنائس بردم میدادند

روز ۲۸ ذی قعدة (۸ نومبر) در مجمع

صحیح از جمله بیانات مبارک که با اجاب این بود که دو من بسیار از ملاقات شما با مسرورم از لطافت
 جمال مبارک امید است که سبب عزت امر الله و انتشار کلمه الله گردید تا این شهر بزرگ
 بلاد امریکا تقدم یابد چنانچه این شهر پای تخت امریکا است انشاء الله مرکز آثار الهیه
 شود چون قیام بر تبلیغ امر الله نمائید در اندک زمانی امر استقرار و نفوذ تام یابد
 زیرا اینجا استعداد دارد چه که معارض در میان است و بعضی کشتیها معترضند
 و همیشه تخریب شده است که هر وقت فریاد علمای ملت و اعتراض آنها بلند شد
 امر الله قوت گرفت من همیشه از برای شما طلب تایید مینمایم و قلبم با شماست
 مطمئن با الطاف جمال مبارک باشید که پشه را غرق نماید قطره را دریا کند سنگ
 را الماس نماید و ذره را خورشید جهان آرا پس نظر با استعداد خود نمائید
 بلکه ناظر بفیوضات ملکوت ابی باشید انتهی امروز عصر بعد از مجلس پیاده در خیابانها
 دانشگاه مشی مینمودند و میسر نمودند شهرت و دانشگاهت از سایر شهرهای امریکا
 بهتر است و در نظر مبارک طرح و نقشه آن شهر بسیار مقبول بود زیرا در سایر مدن
 عظیمه عمارات بسیار مرتفع و جمعیت از دو حامی شمار است اما عمارات دانشگاهت
 اغلب چهار پنج طبقه بیشتر نیست و خیابانهای دانشگاهت جمع مستقیم و موزون و از
 دو طرف مشجر و در جلو خانه ها باغچه های گل و چمنهای سبز و خرم است علی الخصوص در
 فصل بهار که همه شهر مثل گلشن گلستان با صفائی بنظر میآید و در میان هر چهار راه
 و میدان گذرگاه باغچه های بسیار خوش منظر دیده میشود بعکس در بعضی از خیابانها

نیویورک و شیکاگو چون حین عبور طول خیابان و عمارت‌های بسیار مرتفع را از دو
 طرف می‌بینی مثل مناره یا دره‌های بسیار عمیق نظری رسد و رؤس عمارات
 مانند قلل جبال و کثرت جمعیت مانند افواج و بصورت در بعضی از معابر پیاده یا سواره
 عبور میتوان نمود خلاصه آن شب شبی بود که اشرف و سطوت خطابه مبارک که کنیسه
 یهودیان و اشنگلتن لرزه باند اجهان داشت و از همین بیان و قوت برهان مبارک
 و لها همی‌طیید اول حین ورود مبارک فرمودند من امشب همان صحبت‌های در کنیسه
 اسپرئیلیان سانفرانسیسکو را مکرر خواهم نمود بلکه مشروحاً با ثبات حقیقت مسیح
 و قدرت و صداقت اسلام خواهم پرداخت لهذا مکرر نوشتن لازم است قوت
 بیان مبارک چنان بود که بعد از ختم مجلس جمعیت احباب و غیار همه می‌گفتند که بهترین
 داشتیم که بعضی بمعارضه قیام خواهند نمود اگر یهودیان ساکت شوند مسیحیان سکوت
 نخواهند کرد حتی در صحنه خطابه یکد و نفری بود بهتر جم اشاره می‌نمودند که وقت خیلی
 گذشته است معذکات اعتنائی فرموده مشروح و مفصل و مرتب با بلاغ حقیقت دین
 مسیحی و حقیقت اسلام و اقامه دلائل با بهره و حجج پانچه پرداختند بعد از خطابه مبارک که
 رئیس مجلس که از نفوس مهذب و حاخا‌های بی‌تغصب اسپرئیلیان بود پس از
 اظهار شکر از نصاب و موعظه مبارک جمعیت را بسکون و تأمل دلالت نمود که در نباید
 از آنچه مخالف رأی و میل ماست پریشان شویم بلکه در جمیع امور باید با نهایت متانت
 و تمقّی تحرّی حقیقت کنیم تا بحقیقت هر امری را پی بریم مختصر بیرون کنیسه آن شب ذکر همه

از شهامت و استقامت حضرت عبدالبهاء و همینه وقت بیان مبارک بود
 روز ۲۹ ذی قعدة (۹ نومبر) حاخام مذکور را احضار و با اظهار عنایت بی شمار
 فرمودند و بیانات مبارکه با خویشی مفصل در صلح و صلاح یهود و نصاری و مسلمین و احترام
 و توقیر رؤسای یکدیگر بود که هرگاه این امم رؤسای یکدیگر را به عزت یاد نمایند
 جمیع ذلتها و حسدالها از میان بر خیزد بجای نفرت الفت و بجای عداوت و یگانگی
 محبت و یگانگی حاصل شود مقصد من اینست: «از این قبیل بیانات مؤکده میفرمودند
 تا حاخام مذکور با نهایت خضوع و سرور مخلص شد و در آنروز نفوس علییه شهر شریف
 مشرف شدند و در طبقه ثانی منزل مسس پارنر باهریک در مسائل الهیه و مطالب
 مهمه سان مبارک ناطق و فیوضات باقیه چون غیب باطل بود حدائق قلوب
 بر طراوت و نضارت و جهان جانها پر شارت و فتوح تا شب که جشن عشاق بر پا
 شد و زمره عشاق در بهانی و تبریک محفل محفل و بز می گنل آراستند و آن مجمع در یکی از
 تالارهای بزرگ شهر بود که در وسط تالار میزهای بزرگ در شکل عدد ۹ ترتیب داده بودند
 و صدرا آن کرسی مبارک و دیرین و بسیار خدام حضور و در اطراف سایر جای الهی
 بودند و دور آن بازمیزهای نذر کو چکر از سه طرف چیده بودند و میزها همه مزین
 با انواع گلها و زینتها و در دیوار آئین بسته و مطرز با لوان پرده ها و علمها و چراغها
 و قطعه ها اما قطعه اسم اعظم فوق جمیع آنها نصب شده بود جاسین علاوه از قاضین
 بر خدمت متجاوز از سیصد نفر بودند که همه بالباسهای فاخر در آن بزم جانفرا حاضر

و بوجه انور متوجه و ناظر و عین ورود مبارک جمیعاً بیک سخن و یکصوت اشعار
 نعت عبدالبها خوانند و تبریک گفتند و چون بگل اقدس جاس شدند مسترری
 در وسط مجلس مقابل کرسی مبارک ایستاده ورقه تعجید و تهنیت طلعت انور را با نهایت تعظیم
 خواند و تبریک اجاب و اطاعت و انقیاد اولیاء اربع اطهر رسانید از نگاه جهان بمثال برخاست
 و اظهار عنایت بگل فرموده قبل از شروع با گل طعام این مناجات از فم مبارک صادر
 (هوالله) ای پروردگار در نهایت محبت مجتیم و بملکوت تو متوجه جز تو نخواهیم و غیر رضا
 تو نجویم ای پروردگار این طعام را ماده آسمانی کن این جمع را از اعضا و ملائکه علی فرما
 تا سبب حیات گردند و باعث نورانیت عالم انسانی شوند و به هدایت من علی الارض بر خیزند
 توئی مقدر و توانا و توانی بخشنده و مهربان (بعد جمع را بصرف شام امر نموده فرمودند)
 امشب من میخواهم خدمت باجای الهی نمایم لهذا چند مرتبه در مجمع مشتاقان دور زدند
 و بهر یک گل و شیرینی عنایت نمودند و یک یک را معطر می فرمودند و چون دور بانتهی
 می رسید اجناس و دشنامی دیگر می فرمودند و بانغمه و پیانو اوصاف روی نیکو می گفتند
 پس از صرف شام باز قامت رعنا قائم و نطق دلر باد در زحمان و مهشیا از سخن و ضیافت
 اجازت سایر محافل دنیا و بقای آثار خدمات اهل بهاء فرمودند که باز حقوق و شورش و غم و سرود
 اجبا و لهار ناشاطبی تازه و جانهار را انبساطی بی اندازه بخشیدند و آن کی از محافل عظیمه تی بود
 که حکایت از سلطنت و قدرت دلبر پیمان می نمود و چون طلعت یساق ربانی از آلا عمومی
 با و طاق دیگر شریف بردند از جمله نفوسی که شرف خصوصی یافت شخص محترمی بود که

دو پای او در تصادم قطار راه آهن افتاده و قطع شده بود و پاهای مصنوعی داشت با و
 می فرمودند که آنچه از جسم کاسته شود نقصی بر روح وارد نیاید این یکی از دلائل بقای
 روح است چه که موت عبارت از تبدیل و تثبیت اعضا و عناصر جسمانی است و
 چون از تغییر جسم تغییری در روح حاصل نشود معلومست که روح من تغییر است و محفوظ
 الی آخریانه الا علی و چون جنرال قونسول عثمانی و جمعی دیگر مشرف شدند شرمی
 از بیت العدل عمومی فرمودند روز اول ذی حجه ۱۳۳۳ (۱۰ نوامبر)
 روز آخر اقامت مبارک در واشنگتن بود در منزل مبارک محفل شورا نگیز طرف صبح
 منعقد و نطق مبارک بشارت تائید اجاب و بیان استقامت در امر الله و ذکر
 رساله حضرت ابوالفضل در جواب اعتراضات یکی از رؤسای سیجید بود و پس مجلس
 باز مشرف اجاب و بستیدها دائم تا ظهر که در منزل کس پارتنر جمعی از اجاب سر نیز
 در محفل نور بصرف نامار موعود و منقخر و عصر در طبقه ثانی آن منزل محفل خصوصی بحیث نفوسی
 از عزه و محترمین شهرنیا و بیانات مبارک در جواب شوالیات نفوس حاضره در تعبیر
 رؤیا و ثبوت و استقامت در دین الله و عدم همیت اعتراضات نفوس و توضیح
 تعالیم جمال الهی و شرح مسائل اقتصادی و مثال اینها بود و پس از وداع بطبقه پانز
 که محفل عمومی مرتب و مهیات شریف فرما شده در وحدت ذات الهی نطقی مخصوص فرمودند
 و در آخر با همه وداع کردند پس از وداع مبارک حالت رقت بجمع دست داد
 و با نهایت خضوع و تعظیم از حضور انور می گذشتند در جای برکت و تائیدی نمودند

حالتی ولد و زدا شدند و تشش عشقی جانسوز پس از مجلس بازا کثرد در اوطاق دیگر سته عا
 نموده تشرف خصوصی حاصل می نمودند و بسؤال و جواب و عنایت مخصوص مفتخر و مسرور
 می شدند و بعضی اطفال خود را مشرف و تبرک می ساختند اما شب در منزل ستر و سس بن مجبی
 در نهایت روح و ریجان از اجاود و دوستان سیاه و سفید بود و چون شب آخر بود
 آن محل تاثیر دیگر داشت و درد لها شوری بر تر بود صین در و چون وجود اقدس
 بسیار خسته بودند و حالت ضعف داشتند لهذا در بالا خانه روی کرسی رحمتی خواستند
 رفع خشکی نمایند اما اجاود بستیدها بسیار بخت دقیقه فی تشرف بقرار بودند و حرکت
 رجای آن می نمود که فقط روی انور را ببینید و یک دقیقه دامن مبارک را زیارت نماید
 چون استدعای آنها بسمع اظهر رسید لهذا اجازه فرمودند که دست و دست مشرف
 می گشتند دست و دامن مبارک را می بوسیدند و رجای نماید و برکت می کردند و میل
 اگر چون بسیار خشکی و ضعف داشتند لذا با همان حالت که بر کرسی تکیه نموده بودند
 بهر یک اظهار عنایت می نمودند و برای بر جمعی بیانی در شکر تائیدات ملکوتی و فوز
 بهدایت عظمی و استقامت بر امر الله و تمکن بحبل اتحاد و الفت می فرمودند چون جمع
 مشرف شدند و از عنایات و لطافت مبارک شاکر و ممنون گردیدند انوقت بطبقه پائین
 تشریف برده نطقی عمومی در خصوص الفت دآمیرش سیاهان و سفیدان و اظهار مسرور
 از مشاهده آن محل و جود فرمودند و در آن بین با زیاد و ذکر خدمت و صداقت
 سفیدار غلام سیاه و جمالی مبارک مفصل می نمودند پس از مجلس شام برادر همان منزل با آنها

سروریل فرمودند و جمعی از اجابتی‌سر نیز با انبساط و بهجتی فوق العاده مشرف و منعم و میزبانان
محترم متروکس بن از شدت وجد و طرب در پوست نمی‌گنجیدند چه که مورد اطفاف مخصوصه
بودند و خدماتشان در ساعت اقدس بسیار مقبول روز ۲ ذی حجه

۱۱۱۰ نوبت سحر اجابتی شتاق بوثاق دلبر میثاق و دخل قلوبشان از فکر فراق
در احراق و بر یک خوانان عون و عنایت مطلع اشراق ساعت ۹ چون پایتگاه
راه آهن شریف فرما شدند جمیع اجباب طائف حول روی چون ماه بودند چنان پرناله
و آه که آن حالت مایه عبرت ناظرین بود و این قضیه در جمیع بلاد امریکا حین ورود و خروج
طلعت انور مشهود که جمیع خلق تعجب ازین مینمودند که وجود مبارک کی شرقی با لباس ایرانی چگونه
محل تعظیم و تکریم اعزّه رجال و نساء امریکا واقع گشته چون موکب اقدس حرکت نمود جمعی
از اجابتا با التیمور در رکاب مبارک آمدند اول بهوتل عزیز نزل فرمودند و نفوس کثیره
در اینجا شرف حاصل نمودند از جمله روزنامه نویسی مقاله فی مفصل در مسئله صلح عمومی و استعداد
دولت و ملت امریکا در ترویج این مسئله مهمه از سان مبارک شنیده فوراً ثبت نمودند
از اینجا بکلیسای موقدین بالتیمور شریف برده خطاب فی بسیار مؤثر در وحدت عالم
انسانی و اساس ادیان الهی که لم تغییر بوده و تبدیل فروعات احکام مقتضای زمان
اد فرمودند و از کلیسای بنزل متروکس بتروون شریف فرما شدند تا در آنجا
تناول فرمودند و اجابتی بالتیمور جمیعاً حاضر و تاجین حرکت موکب اقدس در نهایت
دلوله و شور بودند و از جمله خطابات مبارکه آن اجابتی الهیه این بود که «والله اعلم

شمارا با نهایت مسرت ملاقات کردم از شما خیلی راضی هستم و شمارا فراموش نخواهم کرد
 امید دارم روز پر نورانی تر شوید و رحمانی تر گردید و چون بارض مقدسه رسم سرب
 استنان روضه مبارکه که بهم و مویه کنان از برای شما طلب تا نیدکنم و مویه است آسمانی
 طلبم و عزت سردی و سرور ابدی جویم انهی و چون عزم حرکت فرمودند در دو اتوبیل
 هیکل اکرم و بعضی دوستان و ملازمان حضور بایستگاه راه آهن روانه گشتند در اتوبیل
 بین راه طلعت پیمان چون پدرمهربان مستراسترو در راه آغوش گرفتند شفقت و
 عنایتی اظهار مسرت از خدمات ابدی فرمودند که انسان حیران می شد و چون جا و آنها
 اجبای فیلاولفیا بعضی نور رسید که فیلاولفیا سر راه است و اجبای انجاد رسید و منتظماً
 شرف بقا فرمودند یکم تبه بانجارفته ایم دیگر مجال فرصت نه همین قدر تملک اف کنید
 که در ایستگاه راه آهن بیایند چند دقیقه ملاقات مینمایم ساعت (۷) اول شب
 چون مرکب مبارک بانجارسید جمع اجباب رجال و نساء حاضر و منتظر بودند تا قطعاً
 راه آهن ایستاد فوراً هجوم آورده روی قدم مبارک افتادند و زیارت لغای طهر
 کام دل و آرزوی جان یافتند و اکثر سوار شده تا محطه دیگر در اطلاق مبارک مشرف
 بودند و شوق و ذوقی و جسدانی داشتند و استمدعای توفیق در خدمت امر الله
 مینمودند تا آنکه با اینها و چنین مرخص شدند چون مسافری در ترن آن حالت را دیدند
 که قریب نسی نفر از اجبای فیلاولفیا بان و لوله طائف حول جمال میثالند و از رقت قلوبشان
 کل حیران لذا در صد و فخص برآمدند و بعد دو طلعت عبدالبی حلقه زدند و شیفته

عظمت و جلالش گشتند و از زبان مبارک بیانات مفصله و تعالیم الهیه شنیدند چنان
 منجذب و منتجب گردیدند که هنگام مرضی ادرس اجبا و مجامع اهل بهار را گرفتند که در حلقه
 بهائیان درآیند و این نحو تبلیغ امر الله و هدایت نفوس بین راه ذوقی و لذتی داشت که
 بگفتن نیاید خلاصه ساعت یک از نصف شب گذشته باز شهر نیویورک بقدم انور
 مشرف و در محلی که قبلاً حسب الامر بکرایه گرفته بودند نزول حلال فرمودند و این بار دوم
 بود که آنخانه دربار سلطان بهمان و درگاه فضل و احسان شده بود و صاحب خانه و کسان او
 در زمره مخلصین درآمده داشته روی به یک مبین بودند
 روز ۳ ذی حجه

(۱۲) نوامبر صبح مسیحی صبحی صاحب خانه و خویشانش مشرف و مورد عنایت گشتند و نمیدانستند
 بچه سان اظهار شکر و افتخار نمایند که آن بیت آوی و منزل جمال بممال و مطاف عاشقان
 جمال ذوا بجلال شده و آن محل نزدیک شهر متسن موسوم بر یورساید بود و هر صبح و عصر
 با نچه های کنار نهر موطنی اقدام طلعت انور و آن اوقات چون ایام حرب بالکان و عثمانیان
 بود و در جمیع جوامد مشهور لذار کچه و بازار چون خدام آستان و ملزین رکاب مبارک
 را بالباس ایرانی می دیدند بعضی گمان ترک می کردند و از روی تعصب نگاه می نمودند
 حتی در هوتهای بزرگ اوطاق بکرایه نمیدادند و از ترکها نهایت نفرت داشتند آن بود که
 می فرمودند «به بنید چه قدر تعصبات احداث بغض و عداوت بین قبائل و احزاب نموده
 و سبب چه مشقت و عذاب گشته» اما همین نفوس با آن نخوت و نفرت چون از امر آگاه
 می شدند و در محضر انور حاضر فوراً ساجد می گشتند و از جان و دل انشوع می نمودند و بتشریف



Abdul Bahas Secretaries and Transletors during his tour in America.

افتخار می کردند و همچنین در نیویورک بعضی از نفوس صرار می نمودند که شخصی از غنیای
 نمره اول امریکا اظهار اشتیاق بشرف نموده و استدعای آن کرده که بمنزل او
 تشریف فرما شوند در هر مرتبه ای بشدت آنها را منع فرمودند که من با فقر اکار دارم
 و بجل فقر میروم نه اغنیای جمع را من دوست دارم علی الخصوص فقر را و از هر قبیل
 نفوس اینجا میآیند و کل را بجان و دل و محبت صمیمی ملاقات میکنم و لکن در صد
 رفتن منزل اغنیایستم آهتی هیچ اعتنا فرمودند اما وقت دیگر شخص طویل کاریگی
 چون بجنوع و خشوع استدعای تشریف نمود با آنکه از طیبوزها بود قبول فرمودند
 و آن تشریف در محضر اطر مقبول و در آثار مبارکه مذکور آمد عصر آن روز منزل متبر
 سس کروک مجلس هفتگی اما الله بسیار روحانی بود و قبل از ورود مبارک سس
 کروک بناجیات مشغول و بعد سان اطر باین بیانات مبارکه ناطق بود (هوا شد)
 این انجمن دختران من است در خانه دختر من سس کروک لهذا از این اجتماع
 بسیار سردم خوب مجلسی است خیلی نور است محفل روحانی است و انجمن آسمانی
 نظر عنایت شامل این محفل است و ملا علی ناطق باین مجلس مناجاتی که خواندید شنیدند
 و از استماع مناجات شام سردند شکر حضرت بهاء الله نمایند و گویند ای
 بهاء الله شکر ترا که این کنیزان منجذب تو اند و متوجه ملکوت تو مقصدی جز رضای
 تو ندارند و مقامی جز خدمت امر تو نخواهند ای بهاء الله این کنیزان عزیز را تا میاید
 فرما و این دختران ناسوت را ملکوتی نما این قلوب را بهم کن و این ارواح را

مستبر فرما ای بهار الله این تنهارا چون شمع روشن نما و این جا نهار ارتکاب گزرا
 فرما نفوس را با تنگی مشغول کن که ملائطی را بوجد و طرب آرد هر یک راستاره
 درخشنده نما تا عالم وجود بنورشان منور شود ای بهار الله قوت آسمانی ده الهام ملکوتی
 فرما تا یسیر ربانی نما تا تمام بخدمت تو پردازند توئی رؤف و مهربان و صاحب فضل و
 احسان انتهی آتاشب در منزل مستر کنی محیی منفعد که بیشتر از سیاهها بودند در آن مجلس
 ایمان مستر در ارج را ایمان بطری فرمودند و نهایت عنایت را بان بنده صادق مخلص
 اظهار نمودند زیرا سرست بزم عهد است بود و پیمان پیمان در دست داشت و همچنین
 مستر هر پس منظور نظر عنایت گردید و در محافل عمومی قبل از خطابه مبارکه با امور صحبت می شد
 و نطق مبارک در آن مجمع مقبولیت صحبت مستر هر پس و بشارات کتب انبیا در خصوص
 ظهور عظیم علی بود و بیان روح القدس مذکور در این مجلس موعود و طلعت مقصود

روز ۴ ذی حجه (۱۳) نوبت صحبت اجبا حکایت سفر کلیفورنیا می فرمودند و ذکر خطابه مبارک
 مبارکه در دارالنفون و سایر مجامع ساخر نسبیکو که در چون اصطلاحات علمی و بر این عقلی بود
 منکری نداشت و بیخ نفی ادنی اعتراضی نمود البته در اینگونه محافل مثل آن دارالنفون
 که صد و هشتاد و پانزده نفر و هشتاد و هشتصد تلامذ و بعلاوه سائر نفوس حلیله
 موجود اگر اصطلاحات دینی و عقائد و تعالید مذہبی که همه منافات علم و عقل است کسی بیان
 مینمود احدی اعتراضی کرد بلکه کل استهزا و سخزیه می کردند و کلمه اسباب بیزاری
 نفوس از عالم یانت همین تعالید و اوام رو سالی مذہب است که اشخاص عالم و دانا

چون آن تعالید و رسومات را مخالف علم و عقل دیدند دین الهی را ترک نمودند و گرفتار
 نشدند که اینها اوامر و کسای ادیان است پیچ و خمی بائین الهی ندارد اساس دین نشه
 منافی عقل سلیم و علم صحیح نیست و اصول ادیان الهیه مخالف دانش و پیشرفت مگر بعضی
 از فروعات و جزئیاتی که باقتضای عصر و زمان بوده البته فروعات احکامیکه مناسب
 زمان حضرت موسی و مفید بحال ملت یهود در آن عصر بود در این زمان تکلیبی ثمر و اثر است
 و بیپوده بنظر میآید اما در آن زمان مناسب و مفید بوده حال الحمد لله حضرت پسر آ الله
 این مشکلات را حل فرمود جمیع تعالیم و احکام مبارک که روح این عصر و ما یحتاج ام است
 و اعظم از کل دفع و رفع تعالید و اوامر مذہبی است و تطبیق مسائل روحانیه با دلائل عقلیه
 و علمیه انتہی از روز عصر منزل مسترکنی شریف داشتند چنانچه عادت یومیه مبارک
 بود صبح و عصر در کنار نهر (دیورساید) چمنها و باغچه با مغل مشی و خرام میل اقدس می گردید
 و اما نطق مبارک در مجمع عمومی منزل مسترکنی از مشهوریت اجابا لطاف و عنایات جمال الهی و تاکید
 در ثبوت بر میثاق الله بود بعد از مجلس جمعی دیگر مشرف شدند و اجبارا شوق بقیام بر تبلیغ
 و حصر اوقات در نشر نفعات الهی فرمودند و تحسین بر خدمت عالم نسانی تا نفوس
 مبارکی من اجاب مبعوث شوند که در لغت و اتحاد امم و ترویج این امر اعظم کرمیت محکم بنند
 و چون بعضی رجای ترجمه آیات کتب مقدسه و الواح الهیه با انگیزی نمودند فرمودند یک کتبیه
 برای ترجمه آثار مبارک که لازم است که در چند سال ما بر باشند جمعی از اجاب و دیگر با طغیان
 بشر حضور نور مشرف بچه های کوچک را در آن مجلس گرفته بسیار بهرانی و نوازش میفرمودند

مخصوص دختر کوچک مستر جون که همیشه در مجامع و محافل بی اختیار بحضور مبارک میدوید
 و پنج وقت میل جدائی نداشت و صین شخصی همیشه محزون و متأثر بود اما نطق مبارک در مجمع
 شب در آن مخصوص بود که اجبا باید از ششون نفس و هوای مقدس و از وساوس نفوس
 خود خواه محفوظ و مبرا گردند و از اشخاصیکه بظاهر در لباس ایمان و ثبوتند و در این سبب
 تزلزل نفوس برپا میزند و شجره دثبوت بر عهد الهی و اطاعت مرکز یشاق ربانی و اتحاد
 اجبا و بلا یای عظیمه جمال الهی و شهادت نفوس مقدسه اولیا بجهت اتحاد و اتفاق ام
 دنیا فرمودند در حالتی که دو تالار منزل مستر کنی پرا ز جمعیت بود اول در وسط دو تالار بر کرسی
 جاس شدند و بعد از شروع بنطق قیام فرمودند و از سطوت بیان و جلال عظمت طلعت
 پیمان گل داله و حیران بودند روزه ذی حجه ۱۳۱۱ نومبر پس از آنکه جمعی از اجبا
 بالا در اوطاق مبارک تشریف حاصل نمودند طلعت یشاق پائین مجمع اجبا میشتاق
 تشریف فرما شدند و از جمله بیانات مبارک که این بود که "مبارکترین اوقات وقتی است که
 با اجبای الهی ملاقات نمایم این بهترین اوقات است لهذا من در نهایت سرورم که خود را
 در میان شما می بینم اسعد شد رویهای شما منور است و قلوب و ارواح سببشتر
 و نفوس بلکه تابهی متوجه و این نهایت سرور من است و از آستان حضرت
 بهار شد می طلسم که جمع شما را سرور ابدی بخشد و در ملکوتش عزیز فرماید و حیات
 سرمدی مبدول دارد اما اجبای نیویورک از جمع ششون برهند و سبب نورانیت
 عالم نسانی شوند نیست نهایت آرزوی من و یقین است که حضرت بهار الله شما را تأیید

میفرماید انتهی مجامع اجبآن ایام زیاد تر شبها منزل سس کنی و روزا منزل مس
 کروک منعقد اما در منزل مبارک ششرف نفوس دائمی بود اوقاتی هم که منزل شریف
 نداشتند همیشه جمعی در خانه مبارک منتظر شسته بودند عصر از روز جمع یاران روحانی
 در منزل سس کروک بود و نطق مبارک در علو مقام اهل بها بفیوضات و تائیدات
 ملکوت ابی که خاک سیاه را اهل بدشان کند دانه را خرمن نماید ما بگیری را بطرس
 اعظم کند زنی دانی مانند مریم مجدلیه فی را فخر رجال نماید و چون یک یک از حضور انور
 گذشتند و منظور نظر غایت گشتند پیاده بمنزل مراجعت فرمودند بین راه در باغ
 بزرگ وسط شهر انترل پارک شخص محلی چون چشمش بطلعت میثاق افتاد بحضور انور رسید
 و عرض نمود من اوصاف مبارک را خیلی شنیده و مترصد وقت برای شرف بودم
 حال خانی تشکر که بقای الهی شرف شدم تا منزل مبارک آمد و منجذب بیانات حسلی
 و تعالیم ظهور ابدع ابی گردید اما شب یار و اغیار از بیان معانی و اسرار کتب الهیه و اسائل
 همه صادره از نسیم مطهر بهره و فیض وافر بردند بعضی از نعمات و اصوات در شرق الاذکار
 رسیدند فرمودند نعمات و اصوات در تلاوت آیات و مناجات نظم و شرباید باشد
 ولی در امور غیر منصوص من مداخله نمیکنم هر وقت و هر چه بیت العدل عمومی حکم نماید آن
 میزان است و آخر شب برای خانمی (که سخن ساینست) معتقد بعلم سیمی که در عقیده خود
 بسیار تعصب بود منقلبت می فرمودند که مراد از اینکه در وجود شرفیت نیست که
 آنچه از سبده عالم هستی وجود است مفید است و نیکو ولی بوقع و بجای خود خیر است و شرفیت

مثل اینکه گوئیم در عالم شمس ظلمت نیست زیرا ظلمت عدم نور است و وجود خارجی ندارد
 ظلم عدم عدست چهل عدم علم است پس نقائص عالم خلقت و حدوث عدم کمالات است
 نه آنکه این نقائص از مبدأ باشد بلکه لازمه عالم مادی جهات و تغییراتی است که سبب تربیت
 اشیاست و ظهور کمالات حقایق و ارواح انہی روزء ذی حجه ۱۵۵۰ (نمبر ۱۵)
 صبح مستر و بلبلم و بعضی دوستان دیگر در محضر اطہر باستماع این بیانات مبارکہ منتظر کہ
 در عالم وجود تعلیم و تربیت اہم امور است بدون معلم در امور مادی ترقی حاصل نشود تا چه رسد
 در امور روحانی و اخلاق روحانی چگونه نوع انسان بدون تربیت معلم آسایش یابد و سعادت
 ابدی جوید گذشتہ از عالم انسان در سایر مخلوقات نظر نمائید جمیع محتاج تربیت مرتبی
 ہستند بدون تربیت بحال نرسند مثلاً این گل بخودی خود باین کمال نمیرسد و دارا
 این لطافت و لون و صفائی گردد پس در عالم وجود و مہبت موجود کی استعداد فطری
 کہ بصرف ایجاد الہی است و دیگری کمالات انسانی کہ منوط بہ تربیت معلم و مرتبی است
 و چون بطبقہ پائین در مجمع اجناس شریف فرمادند عنوان نطق مبارک این بود کہ در جمیع
 عالم بنیاد یک سبب است و توہ حضرت بہار اللہ مانند برگ ششریان در جہد امکان
 الی آخر بیانہ الاعلی از روز بود کہ مستر کمالات را احضار و از کان غدیرانی ستری و ارتباط او
 با اہل نقض بسیار شکایت فرمودند و عین مکتوب او را با و نمودند کہ بشیکا غونوشہ
 و از دکتورنات رفیق خیر اللہ ستایش و اظہار ہمراہی نمود و دفسر نمودند این خط
 تو است عرض کرد بلی ولی مقصد من چیز دیگر بودہ خواست مقصد خود را نوعی دیگر جلوہ دہد

آمانند آن ایام قلب طهر خلی از او گذر شد و مقصد مبارک تبت و تذکرا بود عصر
 پس از شرف جنرال قونول ایران مستر توپاکیان و نفوس محترمه دیگر بجمع علم الهی که
 جمعیشان بشیر خانهای شهر بودند شریف بردند رئیس آن مجلس خانم ناطقه کئی
 مدعی علم الهی و الهام ربانی بواسطه حضرت بهار الله بود جمعی از مردانیکه معتقد بر روح پرست
 و فالگیر و کرچن سانس بودند در انجمن او حاضر شدند و او درین صحبت چشمهای
 خود را بسته مثل اینکه در حالت خواب و الهام است صحبت میداشت و حال جذبه
 و بی اختیاری اظهار می نمود و چون در میان بهائیان معروف بخلوص و محبت بود و
 در امر الله معتقد لهذا با او مدارا نمودند از روز نظر باصرار و التماس او چون بان مجمع
 شریف بردند شرحی در خصوص مقتضیات اوقات و ازمان و فصول عالم امکان
 و حد و شت نطق فرمودند که یوم ظهور مظاہر مقدسه الهیه بزیع الهی است و بهار معنوی که
 اشجار نفوس انسانی را سرسبز و خرم نماید حدائق قلوب را طراوت و لطافت تازه بخشد
 و فیوضات بدیعه و الهامات جدیده و بد چون از خطاب مبارکه نفوس را منجذب و متوجه
 و اعناق را خاضع و خاشع نمودند بمنزل مرجعت فرمودند و در راه می فرمودند بیسبب
 در امر یکا هنوز چه اوام و خیالاتی موجود است « اما بیان مبارک در رفع اوام آن
 نفوس از این قبیل بود که « بیان انسان دو قسم است یکی بیانی است که فقط نبعث از
 احساسات شخصی و خیال و فهم او است این برای همه محبت و میزان نیست و سبب
 اطمینان قلوب نه انبیا بیانی است که بر مان دارد تا اثرات و تا بیچ عظیمه می بخشد

مروج مسائل مهتمت است که ایحتاج عالم انسانیست مثل بیان و برهان بهائیان است
 که جمیع را بوحدهت عالم انسانی و صلح عمومی میخوانند این بیان با برهان و تأثیر است
 (بعد حکایت از حاخامهای بنی اسرائیل فرمودند که) در اورشلیم هر چند وقت و اوراق
 مقدسهئی را اظهار مینمایند و تاریخ و موعدهی معین بجهت ظهور موعود و نجات بنی اسرائیل
 انتشار میدهند و میگویند از آن اوراق مقدسه استخراج نموده ایم و چون بان وعده
 موعده میرسد شبیهئی در آن مینماید و وعده دیگر میدهند و باین طرز اسرائیلیان
 بر دور سخت استنباط و رأی خود نگاه میدارند و از حق ممنوع و محروم مینمایند و حال
 جمیع را بتاریخ حضرت دانیال دکنه هزار و سیصد و سی و پنج وعده میدهند
 آن شب مجمع عمومی در منزل امته الله مس جولیت تاسن بود و خطابه مبارکه در ذکر
 عظمت این قرن مبین و غلبه امر عظیم و اهمیت و نفوذ احکام تعالیم جمال اقدس الهی چنان
 بسطوت و بزمی فرمودند که عقول حیران و نفوس دلداده عظمت و جلال عظمت
 بیان گردیدند و قبل و بعد از مجلس هم گزین نفوس کثیره در اوطاق علی حده بشرف حضور
 فائز و منتظر گشتند روز ۷ ذی حجه (عناومبر) صبح بعد از اوراد و اذکار لیک
 مختار ذکر اجبای شرق و اقبال و ثبات دستقامت انهامی فرمودند و بسیار
 اظهار عنایت بخانواده حضرت سمندر و بعضی از قدمای اجباب ایران می نمودند
 و بعد در مجمع اجبالسان اظهار این عبارات ناطق (هوالله) منظار مقدسه تحمل
 بلا یا و مصائب عظیمه فرمودند و قبول زجر و جفا در بر دمی نمودند حضرت مسیح مبتلای

بلایای شدید گردید و زحمت صلیب و شهادت کبری را اختیار فرمود و نتیجه
 آن صعوبات یازده نفر حواریان بودند که فی الحقیقه نفوس مبارکی بودند نورانی
 شدند آسمانی گشتند و سبب روشنائی جهان و جهانیان گردیدند امیدوارم
 شما هم بمقامی رسید که گفته شود شما با نتیجه ظهور بهاء الله هستید گفته شود این
 نفوسند مقصد از ظهور بدیع این نفوسند که جوهر وجودند این نفوس نورانی
 و رحمانند و ملکوتی و آسمانی اگر نفسی گوید بهاء الله چه کرده گویند این نفوس مبارکه
 را تربیت فرموده " بعد شرحی از شرایع الهیه و ادیان ربانیه فرمودند که در هر
 دو قسم از حکام است قسمی حکام روحانیه که اساس ادیان الهیه است لن تغییر ولن
 یتبدل است و قسم دیگر فروع است که راجع بجهانیات است و بمقتضا
 بر عصر و زمان تغییر یابد چون جمع دیگر مشرف شدند فرمودند (جهان الله بانکه چشم
 خود مردم دیدند که در ظهور مسیح یازده نفر حواری نفوس عادی بودند و سبب
 ایمان بانحضرت چگونه حیات ابدی بستند و از انقوت عزت سردی درخشیدند
 امانت بود با آن عزت ذلیل شدند قیافا که اعظم مخالف حضرت مسیح بود با خاندانش
 محو گردید و لکن با سبب ایمان پطرس اکبر شد بانکه این امور را می بیند
 باز منتهی نمی شوند انتمی اما عصر در مجمع از نطق مبارک در اثبات حقیقت و غلبه
 منظره بر امر الله تعالی و انچه ابلی فوق العاده برای اهل مجلس دست داد علی الخصوص
 بجهت بعضی از دوستان نیوجرسی که با مشهور پس از مجلس بالا در اطاق مبارک